

خون و نفت

خاطرات یک شاهزاده ایرانی

منوچهر فرمانفرمائیان

و

رخسان فرمانفرمائیان

ترجمه مهدی حقیقت خواه



فهرست

| | |
|----|------------------|
| ۷ | یادداشت مترجم |
| ۹ | درباره نویسندگان |
| ۱۵ | پیشگفتار |
| ۲۵ | فرار از ایران |

ماجرای سالهای اولیه

| | |
|-----|---------------------------|
| ۵۵ | ۱. درون دیوارهای حَرَم |
| ۶۹ | ۲. خون قاجارها |
| ۹۳ | ۳. بر امواج جنگ |
| ۱۱۱ | ۴. بازی خطرناک نفت |
| ۱۳۱ | ۵. زیردست رضاشاه |
| ۱۵۹ | ۶. اشغال |
| ۱۸۹ | ۷. خرسها و شیرها در آستان |
| ۲۱۵ | ۸. خانه‌ای تقسیم شده |
| ۲۳۵ | ۹. تمرین برای فروپاشی |
| ۲۸۵ | ۱۰. ملی کردن |
| ۳۱۹ | ۱۱. تلاش بیهوده |

ماجرای سالهای بعدی

| | |
|-----|-------------------------|
| ۳۵۵ | ۱۲. سرزمین شاهین |
| ۳۸۵ | ۱۳. رؤسای جدید و شایسته |
| ۴۰۷ | ۱۴. یک انقلاب درباری |

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۴۳۹ | ۱۵. شاهنشاه و رؤیای آمریکایی |
| ۴۷۱ | ۱۶. در خدمت شاه |
| ۵۰۳ | ۱۷. انقلاب |
| ۵۳۵ | ۱۸. آخرین راه به سوی آزادی |
| ۵۴۵ | سخن آخر |
| ۵۴۹ | پیوست |
| ۵۵۱ | یادداشتها |
| ۵۵۷ | سپاسگزاری |
| ۵۵۹ | نمایه |

یادداشت مترجم

این کتاب ترجمه *Blood and Oil* نوشته منوچهر فرمانفرمایان است و طبعاً دیدگاههای مطرح شده در آن نمی تواند نظر مترجم باشد.

در یک دیدگاه کلی، تاریخ روایت سرگذشت پیشینیان برای اندیشه ورزی و پندآموزی کنونیان و آیندگان است. اما هر روایت تاریخی بناچار با دیدگاهها و گرایشهای سیاسی و اجتماعی راوی آن درهم می آمیزد و چه بسا نویسنده برای اثبات دیدگاهها و مدعاهای خود، با رویدادها و نقش آفرینان آنها برخوردی گزینشی می کند و تنها آنچه را که به این اثبات مدد می رساند، مورد توجه و پیکاوای قرار می دهد، آن هم از زاویه ای که به مقصود او کمک کند.

حال هرچه برخورد آرمان شناختی (ایدئولوژیک) نویسنده در پویش و پژوهش تاریخی او بیشتر دخالت کند - بویژه اگر با انگیزه های منفعت جویانه سیاسی، جناحی و حزبی هم درآمیخته باشد - نتیجه کار او یکجانبه تر و از همخوانی با واقعیت فاصله دارتر خواهد بود.

تلاش برای برخورد بی طرفانه علمی و عینی با تاریخ پژوهشی و فاصله گرفتن از انگیزه های آرمان شناختی و سیاسی در تاریخ نگاری می تواند ما را به واقعیت های تاریخی نزدیک کند. البته این به معنای نادیده گرفتن آرمان شناسی نویسنده نیست؛ که به هر حال هر انسانی، از آن جا که به زندگی فردی و اجتماعی خود می اندیشد و هدفها و آرمانهایی را پیش روی خویش می نهد، دارای نظام آرمانی و ارزشی خاص خود است. اما آنچه در تاریخ نگاری علمی مورد چشمداشت است این است که پژوهنده و نگارنده تاریخ واقعیتها را دستچین یا مخدوش نکند و امانتداری را شعار خویش سازد و به واقعیت های تاریخی - به عنوان میراث مشترک بشری - همان طور که بوده، احترام بگذارد و دیدگاه و تحلیل خود را نیز - که به ناگزیر مبتنی بر آرمان شناسی نظری، سیاسی و اجتماعی اوست - در کنار آنها ارائه کند.

خاطره نویسی، از آن جا که نگرش و استنادی شخصی، تجربی و شهودی به تاریخ است، در آن پژوهش علمی تاریخ کمتر راه دارد و بناچار با دیدگاهها و انگیزه های طبقاتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نویسنده آن درآمیزی بیشتری دارد، به طوری که می توان گفت خاطره نویسی نوعی تاریخ نگاری شخصی و جانبدارانه است که بیشتر با تجربه های مستقیم و غیرمستقیم نویسنده سروکار دارد. اما، به هر حال، خاطره نویسی نکات و ظرایفی را باز می نماید که در تاریخ نگاری و

تاریخ پژوهشی دانشورانه کمتر یافت می‌شود و خود می‌تواند مایه و پایه‌ای برای تاریخ‌نگاری علمی به شمار آید.

کتاب حاضر خاطرات کسی است که از یکی از بزرگترین و پرنفوذترین خاندانهای حکومتگر ایران دوره قاجار و پهلوی برخاسته و در نتیجه خاطرات او با مهمترین حوادث این دوره تاریخی به هم آمیخته است. اهمیت این خاطرات به خاطر نگاهی است که نویسنده، با توجه به تخصص، تجربه، مقام و موقعیت اجتماعی و طبقاتی، و مسئولیتهای مهم اجرایی اش، بویژه در امور نفتی، از درون به نظام حاکم و روابط درونی و بیرونی آن داشته و صحنه‌ها و رخدادهایی را به تصویر کشیده که چه بسا از نگاه پژوهندگان و نگارندگان بیرونی تاریخ پنهان مانده است.

نویسنده خود اذعان دارد که کوشیده آنچه را که دیده، شنیده، یا استنباط کرده بنویسد و چون اسناد و مدارک گردآورده در دوران زندگی اش در ایران را از دست داده، خاطراتش را تنها به مدد حافظه‌اش به نگارش درآورده است.

البته نویسنده، که در خارج از کشور زندگی می‌کند، به برخی منابع خارجی دسترسی داشته و از آنها در نگارش خاطراتش سود جسته، اما با این حال بار اصلی کتاب بر دوش خاطرات او باقی مانده است و به همین علت، در موارد متعددی به اموری اشاره کرده که از آنها اطلاع دقیقی نداشته و لاجرم در دادن اطلاعات به خطا رفته است (که مترجم کوشیده پاره‌ای از آنها را در زیرنویس اصلاح کند).

با توجه به این که نویسنده این کتاب را برای غریبان به نگارش درآورده، کوشیده است به ارائه مطالبی که می‌تواند برای آنها جذابیت بیشتری داشته باشد، بپردازد.

شیوه نگارش کتاب جابه‌جا به داستان‌نویسی معاصر نزدیک می‌شود و همین به جذابیت آن برای خوانندگان عادی می‌افزاید.

نویسنده، در عین این که از پیشینه اشرافی خود دفاع می‌کند و دل بستگی خود را به آن نشان می‌دهد، سخنانش از شور و شوق میهن‌دوستی خالی نیست. همین امر، همراه با صداقتی که در تصویر رویدادها و بیان دیدگاههای خود نشان می‌دهد، خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در سراسر کتاب با خود همراه می‌سازد، هر چند که خواننده با بسیاری از دیدگاهها و تحلیلهای او موافق نباشد و آنها را مغایر و حتی مقابل دیدگاهها و ارزشهای خود بشناسد.

در پایان این یادداشت، ذکر چند نکته ضروری است: نگارش لاتین نامهای خاص بیگانه با شماره‌گذاری در متن، در پایین هر صفحه آمده؛ شماره‌های داخل دو هلال () در متن مربوط به یادداشتها یا ارجاعات نویسنده است که در پایان کتاب آورده شده؛ توضیحات نویسنده و مترجم در متن با علامت ستاره * مشخص شده و در پایین صفحه درج گردیده؛ و توضیحات مترجم با حرف - م. مشخص شده است.

درباره نویسنده

شاهزاده منوچهر فرمانروایان در سال ۱۲۹۶ در تهران متولد شد. او سیزدهمین فرزند یکی از بزرگان خاندان قاجار بود. در انگلستان، در دانشگاه بیرمنگام، در رشته مهندسی نفت تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، مدیر کل اداره نفت، امتیازات و معادن شد. در سال ۱۳۳۷ مدیر فروش شرکت نفت ملی ایران گردید. در ضمن، عضو هیئت مدیره کنسرسیوم بین‌المللی نفت، که انحصار صادرات نفت ایران را به عهده داشت، نیز بود. او از امضاءکنندگان اصلی موافقتنامه قاهره در سال ۱۳۳۸ بود، که به تشکیل اوپک منجر شد. او نخستین سفیرکبیر ایران در ونزوئلا بود.

منوچهر فرمانروایان به گردآوری فرش، سفالینه‌های قدیمی ایران و سفرنامه‌های ماجراجویان اروپایی در خاورمیانه، علاقه وافری داشت. او مهمان همیشگی دربار شاه و دوست خواهران و مشاوران شاه بود. او دو پسر و یک دختر دارد و در حال حاضر در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، زندگی می‌کند.

رخسان فرمانروایان در شهر سالت‌لیک^۱ در استان یوتا^۲ [در ایالات متحده] به دنیا آمده، در هلند بزرگ شده و از دانشگاه پرینستون در رشته مطالعات خاورمیانه فارغ‌التحصیل گردیده است. او درست در بحبوحه انقلاب [امام] خمینی به ایران بازگشت. در دوران آشفتگی اوضاع، هفته‌نامه مستقل خبری ایرانیان^۳ را راه‌اندازی کرد. بعد به مسکو رفت و در آنجا در کسوت گزارشگر و عکاس مشغول کار شد و مطالبی درباره نشانه‌های اولیه انحطاط نظام کمونیستی در تایم^۴ و کریستین ساینس مانیویر^۵ به چاپ رسانید. در سال ۱۳۶۱ به ایالات متحده بازگشت و با یک رشته مجلات، از جمله اینترویو^۶، ورکینگ وُمن^۷ و مک کالز^۸ به همکاری پرداخت. در سال ۱۳۷۱ به کاراکاس رفت تا تمام وقت خود را به کار بر روی خاطرات پدرش اختصاص دهد.

1. Salt Lake City

2. Utah

3. *The Iranian*

4. *Time*

5. *The Christian Science Monitor*

6. *Interview*

7. *Working Woman*

8. *McCall's*